

## «روانشناسی اسارت» شرایط کنونی و دورنمای آتی

هادی بهرامی احسان ■

دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس □ □

پریخ دادستان ■

استاد گروه روانشناسی دانشگاه تهران □ □

### چکیده

اسارت از نادرترین حوادث زندگی است که از جنبه‌های متفاوت نیازمند بررسی و تأمل است. بروز و ظهور اختلالات روانی گسترده در سربازانی که در زمانی از زندگی خود را در اسارتگاه‌های دشمن گذرانده‌اند، توجه بسیاری از روانشناسان را به خود جلب کرده است. هم‌اینک تحقیقات متعددی در خصوص سربازان اسیر بازمانده از جنگ‌های جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای در جریان است و نتایج آن بحث و گفتگوی فراوانی را در مجامع علمی برانگیخته است. با این حال آزادگان ایرانی که در جریان جنگ تحمیلی شرایط دشواری را پشت سر گذاشته‌اند، شرایط متفاوتی دارند. مطالعات انجام شده، حکایت از همسازی نسبی این آزادگان، در مقایسه با افراد شبیه به خود در کشورهای دیگر دارند. آنچه تبیین‌کننده این پیامدهای متفاوت به نظر می‌رسد، ساختار اجتماعی و روانشناختی است که نیاز به بررسی مجدد دارد. آنچه در این مقاله خواهد آمد، مروری بر اسارت و پیامدهای آن از دیدگاه روانشناختی و ارائه یک الگوی متفاوت برای تبیین چگونگی سازش یافتگی ایشان است.

کلید واژه‌ها: سازش یافتگی، مکانیزم‌های مقابله، آزادگان، تنیدگی یا استرس، حمایت‌های اجتماعی، جهت‌گیری مذهبی، شخصیت سخت‌سر.



## ۱. مقدمه

سازش یافتگی<sup>۱</sup> و فرایندهای وابسته به آن، از مفاهیم اساسی در ادبیات روانشناسی محسوب می‌گردد. هم‌اینک به تحقیقات متنوعی که در این خصوص به انجام رسیده، هزاران تحقیق افزوده شده و این امر، دریافت روانشناسان را در این باره غنا بخشیده است. همسازی که در حقیقت بیان‌کننده نحوه تحقق تعادل روانی تحت شرایط درونی یا فرازها و فرودهای برونی و موقعیتی است، از این نظر واجد اهمیت به حساب می‌آید که سرانجام می‌تواند راهبردهای نظری را در خصوص سلامت روانی تنظیم و بدین ترتیب، ملزومات تحقق سلامت روانی را تبیین کند. افزون بر این تحقیق در این زمینه، به فهم ما درباره آشفته‌گی‌های روانشناختی<sup>۲</sup> کمک کرده، تصویری دقیقتر از بروز و ظهور اختلالات - چه به صورت کوتاه مدت و چه به صورت پدیده‌های وخیم و دراز مدت - ترسیم می‌کند. همچنین بررسی دقیقتر فرایند همسازی، واجد این مزیت است که امکان بررسی فرایندهای مهم روانشناختی درگیر با این پدیده را فراهم می‌کند.

بدین ترتیب بررسی فرایند همسازی، درست در نقطه الحاق زمینه‌های اساسی روانشناختی نظیر بهداشت روانی، آسیب‌شناسی روانی و نیز روان‌درمانی است و طبیعتاً دستاوردهای تحقیق در این مقوله می‌تواند مستقیماً خدمات مورد نیاز را به این حوزه‌ها ارائه کند و درست به دلیل این خدمات است که در شرایط حاضر بحث‌هایی نظیر تنیدگی<sup>۳</sup>، نقش عوامل روانشناختی و شیوه‌های مقابله<sup>۴</sup> با آن و همچنین نقش عوامل محیطی و موقعیتی در افزایش یا کاهش آن مشتاقان فراوانی یافته است.

ورود به حیطه سازش یافتگی، نیازمند تأملی اساسی در خصوص چند موضوع است؛ موضوعاتی که هر یک قادرند تا با ایفای نقش خود، سازش یافتگی را تسهیل کرده، در خدمت خود درآورند یا برعکس نقشی تشدید کننده ایفا کنند و به سازش نایافتگی موقت یا انحراف از خط سازش منجر گردند. در میان مجموع مسائلی که هم‌اینک در حال بحث و بررسی است، تنیدگی موضوعی اساسی تلقی شده و توجه گسترده‌ای را به سوی خود جلب کرده است. از زمانی که سلیه<sup>۵</sup> و کانن<sup>۶</sup> برای نخستین بار این مفهوم را به کار بردند، تا کنون تغییرات بسیار زیادی در تفسیر و برداشت روانشناسان از این مفهوم به وجود آمده است [۱۳].

در گذار از الگوهای نظری که تنیدگی را به عنوان حضور یک عامل برونی یا برعکس واکنشی درونی، ارزیابی می‌کردند، هم‌اینک الگوهای دیگری مطرح شده که در صددند تا برای تنیدگی الگویی تعاملی ترسیم کنند. برای مثال در حیطه شخصیت، الگوی تعاملی ایندلر (۱۹۸۸)<sup>۷</sup> قابل توجه است. الگوی تعاملی شخصیت، یک مفهوم سازی برای آزمون تأثیرات دوجانبه افراد، موقعیتها و واکنشها ارائه می‌کند. طبق این الگو، فرد فعال است و جزئی مهم و با هدف به حساب می‌آید که با معنا دادن و

1. adjustment  
3. stress  
5. Selye.H.  
7. Endler,N.S.

2. psychological disturbances  
4. coping style  
6. Canon,W.

ارزیابی روانشناختی، سهم مهمی در تعیین رفتار به عهده دارد. همچنین در تداوم این مسیر خط محققانی نظیر لازاروس و فولکن [۱۲] به برجسته ساختن نقش عوامل شناختی پرداخته‌اند و تنیدگی را محصول ارزیابیهای شناختی می‌دانند. بدین ترتیب هم اینک فراتر از بررسیهای ساده‌ای که در صدند تنیدگی را حضور یک پدیده برونی یا صرفاً پدیده‌ای روانی معرفی کنند، گرایشهای نظری به سمت طرح الگوهای تعاملی‌نگر و یافتن عوامل تعدیل‌کننده پیش می‌روند. بدین ترتیب بررسی سهم عوامل متعدد روانشناختی<sup>۱</sup>، شیوه‌های مقابله، راهبردهای شناختی<sup>۲</sup>، عوامل موقعیتی نظیر حمایت اجتماعی<sup>۳</sup> و سرانجام الگوهای خاص شخصیتی، وارد مقولات تحقیقی شده‌اند.

از سوی دیگر، همواره این تمایل در تحقیقات مطرح بوده که در شرایط سخت و حضور موقعیتها و محرکهای شدید، فرد چگونه به مقابله پرداخته، سلامت خود را حفظ می‌کند. به ویژه داده‌های ضد و نقیض به دست آمده از سربازان بازمانده از جنگ جهانی دوم یا درگیر در جنگهای منطقه‌ای نظیر کره و ویتنام، این علاقه را تشدید کرده است. طبق برآورد کمیته امداد سربازان امریکا، هفتصد تا هشتصد هزار تن از سربازانی که در جنگ ویتنام شرکت داشته‌اند، نیاز به خدمات درمانی دارند. واکر و نش [۱۹] نیز معتقدند که حداقل نیمی از سه میلیون سربازی که در جنگ شرکت داشته‌اند، دارای مشکلات روانی شدیدند. با این توصیف، برخی از محققان این بحث را مطرح ساخته‌اند که تعداد زیادی از سربازانی که در جنگ ویتنام شرکت داشته‌اند، به اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای<sup>۴</sup> مبتلایند. این اختلال با بروز نشانه‌های مربوط به تنیدگی و کاهش در موفقیت‌های فردی و حرفه‌ای همراه می‌گردد [۱].

این موضوع در خصوص اسیران جنگ، صورت پیچیده‌تری به خود می‌گیرد؛ چرا که در حقیقت تمام فشارهای موجود در عرصه جنگ، فقط مقدمه‌ای به حساب می‌آید که پس از آن، اسیر در اردوگاههای اسیران جنگی، باید چندین برابر آن را تجربه کند. بدین ترتیب، عجیب نیست که شاهد اختلالهای وخیمی در اسیران آزاد شده باشیم. اورسانو در تحقیق خود، خبر از وجود مشکلات وخیم در سربازان اسیری می‌دهد که پس از آزادی کماکان درگیر آند؛ اختلالهایی نظیر اختلالهای پزشکی و روانپزشکی، اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای، اختلال در سطح سازش، افسردگی، اختلالهای اضطرابی، و اختلالهای مربوط به سوء استفاده از مواد مخدر، از جمله این موارد گزارش شده است [۱۷].

## ۲. آثار و پیامدهای اسارت و شیوه‌های مقابله

با توجه به محدودیت‌های طبیعی اردوگاههای جنگی، اطلاعات اندکی از تغییرات روانی اسیران در اردوگاهها در دست است. در پژوهشها، اختلالهایی نظیر افسردگی، اضطراب، انزوای طبیعی و غرق شدن در خیالپردازیهای طولانی گزارش شده است [۱۷]. با این حال قضاوت در این موارد بسیار دشوار به



نظر می‌رسد. به نظر اورسانو، بسیاری از نشانه‌های مرسوم در اسیران، نقش حفاظتی داشته، نمی‌توان آنها را الزاماً مرضی پنداشت. به نظر وی بسیاری از اسیران گزارش کرده‌اند که این تغییرات برای دوران اسارت سودمند بوده و موجب جهت‌گیریهای جدید به سمت اهداف گردیده و سرانجام حفظ سلامت روانی را امکانپذیر ساخته‌اند و بدین ترتیب دارای کنشی مثبت بوده‌اند.

بررسی تحولات روانی انجام شده در دوران اسارت منجر به ارائه الگوهایی شده که از یک سو مراحل این تغییرات را توصیف کرده‌است و از سوی دیگر ویژگیهای روانشناختی هر مرحله را تبیین می‌کند. کنت اسمیت [۹] و اورسانو [۱۷] با توجه به بررسیهای خود، دو الگوی متفاوت ارائه کرده‌اند. اورسانو ابتدا به مراحل متمایز اسارت اشاره کرده و سپس ویژگیهای هر مرحله را یادآوری کرده است. در تقسیم‌بندی اورسانو، نخستین مرحله مربوط به دستگیری است که در آن حمله شدید هیجانها بر اسیر و ترس از مرگ مشاهده می‌شود. در این مرحله، اساسی‌ترین مسأله، رهایی از این هیجانهای شدید است. گام دوم، زندانی شدن است که در آن نیاز شدید به هم‌احساسی و درپذیری<sup>۱</sup>، کاهش ارتباط با واقعیت، خیالپردازی، آرزوی آزادی، تلاش برای شناسایی محیط، و مراقبت مفرط به صورت گوش به زنگی غلبه دارد. با ورود به مرحله سوم، به تدریج حساسیت شدید که موجب صرف انرژی فراوان می‌شود، جای خود را به بیحالی و خونسردی داده، سازش یافتگی با شرایط جدید صورت می‌گیرد.

کنت اسمیت [۹] با نگاهی متفاوت، این مرحله‌ها را توصیف کرده است. او بیش از آنکه به مرحله بندیهای صوری بیندیشد، بر مراحل روانشناختی تأکید دارد. به نظر وی، مرحله نخست، انزوا و تنهایی است و در آن، فرد با جدا شدن از واقعیت‌های شناخته شده، پیوندهای متعارف خود را با پیرامونش قطع می‌کند. در این مرحله، حالت ابهام یا عدم قطعیت بر حالات روانی اسیر چیره است و بهت و حیرت، اسیر را در بر می‌گیرد. طبیعی است که در این شرایط، انتظار پاسخهای مناسب و سنجیده، چندان معقول نخواهد بود. گام دوم در دیدگاه کنت اسمیت، با ویژگی جستجوی معنا<sup>۲</sup> مشخص می‌گردد؛ بدین معنا که اسیر در تلاش برای خروج از تیرگی موقعیت پیرامون، با طرح پرسشهایی به واریسی وضعیت خود می‌پردازد.

در مرحله سوم، پس از یافتن معنا برای حادثه و روشن شدن نقش و جایگاه خود، اسیر به شناسایی موقعیت پرداخته، به صورت برداری و واریسی جزئیات می‌پردازد. در مرحله چهارم، سازماندهی محیط و رفتار خود عملی می‌شود و مهار قطعی محیط صورت می‌پذیرد؛ اما مطمئناً این پایان ماجرا نیست. به نظر کنت اسمیت، گام بعدی از سوی اسیر، تنظیم جهت‌گیریهای آتی است که فراتر از باید و نبایدهای مرسوم اسارت، با طرح‌ریزی به انجام می‌رسد و سرانجام با توسعه روابط اجتماعی، اسیر از یک زندانی فعل پذیر به فردی با برنامه و هدف تبدیل می‌شود. از نظر کنت اسمیت، معنا یابی برای اسیر فوق‌العاده مهم است. وی تأکید می‌کند اسیرانی که توانسته‌اند برای خود معنایی بیابند، دارای سلامت بیشتر و آسیب‌پذیری کمتر بوده‌اند.

اگر چه اورسانو و کنت اسمیت، دو تقسیم‌بندی متفاوت از ویژگیها و مراحل روانشناختی اسارت ارائه کرده‌اند، می‌توان با استفاده از نظریه‌های جامع‌تر، وجوه مشترک این دو الگو را کشف کرد و هر دو الگو را در یک چارچوب مورد توجه قرار داد. برای این مهم، بررسی اجمالی بخشی از دیدگاه شناختی اجتناب‌ناپذیر است.

بر اساس نظریه لازاروس، رویارویی با موقعیت، مستلزم ارزیابی<sup>۱</sup> موقعیت است [۱۱]. همچنین ارزیابی از امکانات مناسب، مقابله و سرانجام ارزیابی نتیجه عملکرد موجب شکل‌گیری یک فرایند کامل می‌شود که بخش غیر قابل اجتناب این مهم تلقی می‌گردد. بر اساس این نظریه، آن‌گونه که فولکمن آن را بسط داده است [۱۲]، مهم بودن داده‌ها بخشی از عوامل موقعیتی است که راه‌اندازی هر رفتار جدید، مستلزم غلبه بر آن است. لازاروس معتقد است که هر چه عامل محرکی مهیتر باشد، نظام‌های کلی اعتقادی در فرایند ارزیابی، حائز اهمیت بیشتر می‌شوند. به نظر می‌رسد زمانی که مسأله فقدان محسوس داده‌های عینی مطرح باشد، مردم برای رسیدن به یک تصویر یکپارچه و منسجم از جهان پیرامون، با اطلاعات ذهنی خود، آن را تکمیل می‌کنند.

هر چه خواسته‌ها و فشارهای بالقوه موقعیت بیشتر باشند، نیاز به کاهش ابهام موقعیت افزایش می‌یابد. این تقلیل ابهام، یا با پر کردن این خلأ توسط داده‌های عینی انجام می‌شود یا با بهره‌گیری از داده‌های ذهنی مبتنی بر تجارب، امیدها، آرزو و مندهامی گذشته و حال. بدون دسترسی به این ارزیابی، امکانات عمل محدود بوده، غلبه ابهام موقعیت، شخص را شدیداً دچار نگرانی و سردرگمی می‌سازد.

شالیت معتقد است که فشارهای بی حد روانی و عدم تعادل که در بردارنده محرومیت و از دست دادن کامل حواسند، آن اندازه که معلول ناتوانی از تعیین و طبقه‌بندی موقعیت است، معلول تهدید بالقوه محیط نیست [۱۴]. این همان مانع اصلی است که هم در زندگی و هم در موقعیتهای حاد، فرد باید بر آن غلبه کند. مهم نیست که این مرحله از فرایند ارزیابی غلط یا درست باشد. هر استنباط منسجم و یکپارچه - چه درست و چه غلط - می‌تواند مبنایی برای ارزیابی بیشتر و ارزیابی مجدد در اختیار بگذارد. بدین ترتیب، عدم یکپارچگی موقعیت محسوس را می‌توان عامل اولیه تنیدگی تلقی کرد.

با توجه به این چارچوب، می‌توان تقسیم‌بندی اورسانو [۱۸] و کنت اسمیت [۹] را با یک ارزیابی مجدد به صورتی منسجم صورت‌بندی کرد. آنچه اورسانو غلبه شدید هیجانها در مرحله نخست نام‌گذاری کرده و کنت اسمیت آن را با ویژگی احساس تنهایی و انزوا طبقه‌بندی می‌کند یا آنچه حالت هشدار و مراقبت و توجه به جزئیات از نظر اورسانو بوده و کنت اسمیت آن را با عنوان معنایابی مطرح می‌سازد، در حقیقت تلاش اسیر برای سازماندهی و دریافت تصویری یکپارچه و منسجم از محیط است؛ یعنی رفتاری که به اسیر امکان می‌دهد تا به خوبی جایگاه<sup>۲</sup> و نقش<sup>۳</sup> خود را در شرایط جدید تعریف کرده، با ارزیابی دامنه تهدیدها، امکانات بالقوه خود را برای رسیدن به اهداف مورد نظر تنظیم

1. appraisal  
3. role

2. position



کند. از این طریق، تلاشی آغاز می‌گردد که با شناسایی محیط، آینده و هر آنچه ابهامش آزار دهنده و آسیب‌زا است، فرد را برای سازش با شرایط جدید مهیا سازد. تأکید اورسانو و کنت اسمیت بر نکاتی مانند یافتن معنا، تنظیم رابطه با دیگران و کسب توانایی مهار محیط را می‌توان با این رویکرد به خوبی و به گونه‌ای مناسب ارزیابی کرد.

طبیعی است که تلاش برای کسب همسازی در این شرایط به شدت مبهم، تهدید کننده و فاقد کنترل، عمدتاً با استفاده از راهبردهای مقابله متمرکز بر هیجان<sup>۱</sup> امکانپذیر است. لازاروس با تقسیم کردن راهبردهای مقابله‌ای به راهبردهای متمرکز بر هیجان و راهبردهای متمرکز بر مسئله<sup>۲</sup> می‌گوید که افراد در شرایط مشابه با شرایط اسارت که عملاً امکان حل مسئله در جهان خارج وجود ندارد، با بهره‌گیری از راهبردهای متمرکز بر هیجان، هیجانهای خود را دستکاری کرده، به سطحی از سازش یافتگی با موقعیت دست می‌یابند. شاتکر معتقد است که مکانیزمهایی نظیر خیالپردازی، ابزاری برای مقابله با شرایط دردناک اسارت به حساب می‌آید و بدین ترتیب، اسیر امکان ادامه حیات می‌یابد [۱۵]. مکانیزمهای عمده مورد استفاده اسیران برای حفظ سازش یافتگی، مکانیزمهای فعل‌پذیری<sup>۳</sup> هستند که با دستکاری هیجانهای اسیر، امکان بقای وی را فراهم می‌سازند.

مکانیزمهایی نظیر کناره‌گیری و انزواطلبی، رفتارهای آیینی، و جستجوی حمایت‌های اجتماعی از این دسته‌اند. این مکانیزمها به اسیر امکان می‌دهند که به تدریج بر موقعیت پیرامون خود مسلط شود و با سازماندهی اطلاعات پیرامون خود، روابطش را بهبود بخشد و علی‌رغم تهدیدها و محدودیت‌های محیط، با تنظیم جهت‌گیریهای آتی و برنامه‌ریزی برای آن، از رفتار فعل پذیرانه به رفتار فعال روی آورد و به تدریج زندگی متعادل خود را آغاز کند.

بر اساس یافته‌های پژوهشگران، در این شرایط دستیابی به تفسیری ارضا کننده از شرایط، توسعه روابط اجتماعی، دریافت حمایت‌های ابزاری یا عاطفی، استفاده از مذهب، و تلاش برای اعمال کنترل بر محیط، قادرند تا سلامت اسیر را حفظ کرده، او را در برابر فشارهای شدید محیط، محافظت کنند [۹ و ۸].

### ۳. پیامدهای اسارت

بی‌تردید شدت فشارهای دوران اسارت و گستردگی محرومیت‌های روانی، اجتماعی و جسمی این دوره بر تواناییهای بسیاری از اسیران غلبه کرده، به تدریج آنها را به سمت آسیب‌های روانی سوق می‌دهند. از گزارش‌های ارائه شده، پیداست که تعداد زیادی از اسیران جنگی، حتی پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از آزادی خود، همچنان از اختلال‌های متعدد روانی در رنجند [۱۸].

تنانت شیوع مرگ و میر را در اسیران آزاد شده گزارش کرده [۱۶] و کین با طبقه‌بندی دلایل مرگ، مرض سل، حادثه، خودکشی و بیماریهای قلبی و عروقی را دلایل عمده مرگ اسیران می‌داند [۸]. هال مشکلات شناختی، اجتماعی، هیجانی، خانوادگی و کار را در اسیران آزاد شده گزارش کرده [۷] و مورگان (۱۹۴۵)<sup>۱</sup> از کنارگیری و انفصال از واقعیت، عدم حضور ذهن و از دست دادن علایق جنسی خبر داده است. در یافته‌های اورسانو اعتیاد در ۱۶ تا ۵۰ درصد افراد گزارش شده [۱۷] و شاتکر تغییرات شخصیتی نظیر سطح پایین حرمت خود<sup>۲</sup>، کنارگیری اجتماعی، فقدان اعتماد و خصومت و بدبینی را گزارش کرده است [۱۵]. حالت‌های تغییر یافته انگیزشی، تمایل به حفظ ساخت‌های موجود، و عدم تغییر شرایط نیز به وسیله گلدشتاین (۱۹۷۸) شده است.

#### ۴. عوامل مؤثر بر پیامدهای اسارت

اگر چه پژوهش‌های زیادی اختلالات روانی و انواع نابسامانیهای روانشناختی را در اسیران آزاد شده، گزارش کرده‌اند، پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که در برخی از گروه‌های اسیران آزاد شده، هیچ اختلالی را گزارش نکرده و در آنها بر سلامت و تواناییهای سازشی آنها تأکید شده است [۹ و ۱۷]. محققان معتقدند که اگر چه شرایط دشوار اسارت و پیامدهای آن با هم ارتباط دارند، اما نمی‌توان این رابطه را مستقیم انگاشت. به اعتقاد این محققان، عوامل متعدد بسیاری وجود دارد که در فرایند مقابله با شرایط ناگوار و نیز میزان اثرپذیری از آن دخالت می‌کنند. به همین دلیل در گروه‌های مختلف، آثار متفاوت و متنوعی را شاهدیم.

در یک تقسیم‌بندی کلی، عواملی نظیر (۱) شرایط اقلیمی، (۲) طول مدت اسارت، (۳) شدت تنیدگی، (۴) میزان حمایت‌های اجتماعی، (۵) ویژگیهای شخصیتی و نوع و کفایت مکانیزم‌های دفاعی و مقابله، (۶) میزان آسیب‌های عضوی، و (۷) انزوای اجتماعی را عوامل مداخله‌کننده و مؤثر در نتیجه معرفی کرده‌اند. اورسانو بر پدیده انزوای اجتماعی<sup>۳</sup> تأکید داشته، آن را عامل اساسی و نیرومندی در پیش‌بینی آسیب‌های بعدی می‌داند. همچنین عامل همدلی و وحدت اعضا و میزان حمایت اسیران از یکدیگر، بر آثار دوران اسارت و بر میزان سازش یافته‌گیهای بعدی مؤثر است. در گزارش‌ها آمده است که بین حمایت اجتماعی پس از آزادی و نیز حمایت خانواده، با میزان آسیب‌پذیری، رابطه‌ای تعیین‌کننده وجود دارد. به علاوه می‌توان شواهدی را در تأیید الگوی شخصیت کوباسا [۱۰] ارائه کرد که به صورت نیرومندی فرد را در برابر فشارها مقاوم ساخته و بر پیامدهای مؤثر است. بر اساس الگوی کوباسا، ویژگی شخصیتی سخت رویی<sup>۴</sup> با مؤلفه‌هایی نظیر متعهد بودن<sup>۵</sup> به ارزشها و اعتقادات و اعمال کنترل بر خود و محیط و نیز مبارزه‌جویی<sup>۶</sup> و ورود به موقعیتهای خطرناک، به صورت مؤثری با عدم

1. Morgan, J. H.  
3. social isolation  
5. commitment

2. self - esteem  
4. hardiness  
6. challengeable



آسیب‌پذیری، رابطه دارد. به نظر کوباسا، افرادی با این خصایص، افرادی متعهدند و اعتقاداتی مبتنی بر حقیقت داشته، با ملاک ارزشی به آنها می‌نگرند. این افراد در موقعیتهای مختلف، خود را به صورت فعالانه‌ای درگیر می‌سازند. آنها بر خود و محیط کنترل دارند و به گونه‌ای اعتقاد دارند و عمل می‌کنند که گویی بر دوره‌هایی از حوادث مؤثرند و بر مسئولیت خود بیش از مسئولیت دیگران تأکید دارند. آنها انعطاف‌پذیری شناختی داشته، حوادث را مثبت ارزیابی می‌کنند.

در تأیید الگوی کوباسا، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد، تنوع در مکانیزمهای دفاعی، استفاده از مذهب، شوخی و توانایی دستکاری منابع تنیدگی و نیز ویژگیهای شخصیتی فعال را با میزان سازش یافتگی و پیامدهای مثبت اثبات می‌کنند.

پژوهشهای انجام شده در داخل نیز یافته‌های جالبی را به دست می‌دهد. یاریاری با اجرای scl 90 بر آزادگان گزارش کرد که نوع اعزام و انگیزه حضور در جبهه، با پیامدهای بعدی رابطه دارد [۴]. افرادی که انگیزه میهنی داشته‌اند دارای نمرات بالاتر بوده‌اند و افرادی که با انگیزه‌های مذهبی در جبهه حاضر شده‌اند، کمترین نمرات را دریافت داشته‌اند. البته نمره بالاتر در این آزمون، حکایت از آسیب‌یافتگی بیشتر دارد. همچنین در نتایج این تحقیق آمده است افرادی که به صورت بسیجی در جبهه حضور یافته و سپس اسیر شده‌اند، دارای کمترین میانگین در scl 90 بوده‌اند. نشاط دوست نیز با بررسی اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای در آزادگان، شدیدترین علائم را در گروههای اسیری که به صورت تصادفی - بدون حضور در جبهه - به اسارت درآمده‌اند، گزارش کرده است [۲]. در درجات بعدی، افرادی واجد بالاترین آسیب بوده‌اند که به صورت اجباری به جبهه اعزام شده‌اند و در درجات بعدی افرادی که با انگیزه‌های میهنی در جبهه شرکت داشته‌اند. در میان این گروهها، افرادی که با انگیزه مذهبی در جنگ شرکت داشته‌اند، واجد کمترین میزان آسیب‌دیدگی، گزارش شده‌اند.

اکنون باید دید در جمع‌بندی نهایی و صورت‌بندی داده‌های موجود در یک چارچوب منسجم، چگونه می‌توان سازش یافتگی آزادگان ایرانی و نیز فقدان آسیب‌پذیری جدی آنها را در مقایسه با داده‌های موجود از تحقیقات خارجی تبیین کرد. این پرسش اساسی کماکان باقی است که چگونه آزادگان ایرانی در اسارت، سلامت روانی خود را حفظ کرده، پس از آزادی به سرعت خود را با شرایط پس از آزادی هماهنگ ساخته و سازش یافته‌اند؟

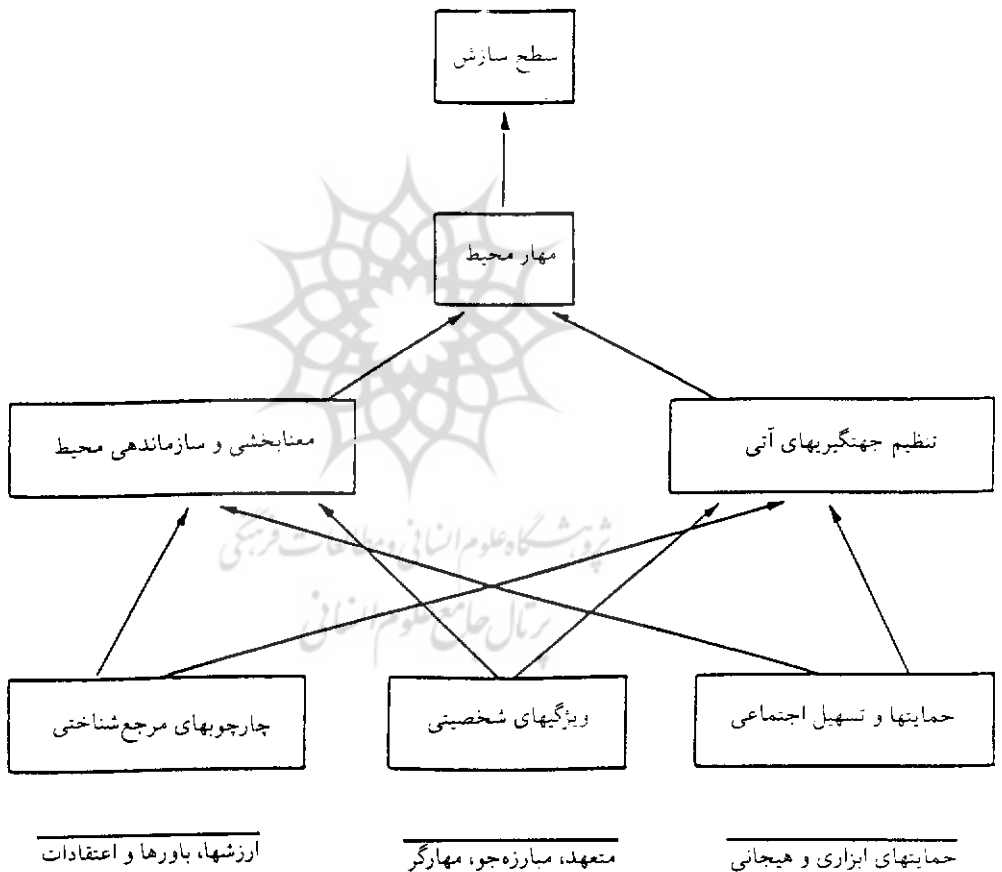
در تحقیقی که توسط بهرامی احسان به انجام رسید و هدف از آن بررسی سطح سازش یافتگی آزادگان ایرانی پس از مراجعت به کشور بود، نتایج حکایت از وضعیت کاملاً رضایتبخش آزادگان ایرانی داشت [۲]. این تحقیق که با مقایسه سه گروه آزادگان، رزمندگانی که تجربه جنگ داشته ولی هیچگاه اسیر نشده بودند، و نیز افرادی که نه تجربه حضور در جبهه داشته و نه تجربه اسارت صورت گرفت، نشان داد که آزادگان پس از آزادی به سرعت خود را با شرایط جدید پس از اسارت هماهنگ کرده، واجد سطح سازش یافتگی مشابه و هم‌تراز با گروههای کنترل شده‌اند.

در تبیین تحقق چنین نتیجه‌ای، الگویی را می‌توان ارائه کرد که بر اساس آن چگونگی موفقیت



آزادگان ایرانی را در شرایط جدید و نیز موفقیت آنان را در حفظ سلامت روانی در اردوگاهها توضیح می‌دهد. این الگو که با استفاده از نظریه‌های محققانی نظیر لازاروس و فولکمن [۱۱]، اورسانو [۱۷]، شالیت [۱۴]، سلیگمن [۶]، کوباسا [۱۰] (۱۹۸۳) و کنت اسمیت [۹] طراحی شده، در صدد است تا دلایل موفقیت آزادگان ایرانی را در حل مشکلات خود و پیشگیری از ورود به عرصه‌های مخاطره آمیز اختلالهای روانی تبیین کند.

در این الگو سه عامل زیر بنایی پیشنهاد شده است که به نظر می‌رسد نقشی تعیین کننده در سازش یافتگی آزادگان ایرانی دارد.



شکل ۱ الگوی عوامل بنیادین سازش یافتگی در آزادگان ایرانی و چگونگی آثار متقابل آن بر یکدیگر

بر اساس این الگو و با تکیه بر داده‌های به دست آمده در داخل و خارج، می‌توان میزان سازش یافتگی آزادگان ایرانی را در مقابله با شرایط دشوار اسارت، و پس از آن، سازش یافتگی با شرایط پس از



آزادی را تحت تأثیر سه عامل اصلی دانست:

۱. چارچوبهای مرجع شخصی که در برگیرنده باوزها و ارزشهاست و در شرایطی که هیچ نقطه اتکایی وجود ندارد، به یاری فرد شتافته، با تنظیم ادراک وی از محیط و نیز سازماندهی رفتار فرد، او را از فقدان قطعیت و ابهام رهایی می‌بخشد و راهبردهای مقابله‌ای او را تنظیم می‌کند.
  ۲. ویژگیهای شخصیتی بیانگر صفاتی است که در تعامل با چارچوبهای مرجع، کلیشه‌های لازم برای برخورد را فراهم می‌سازد و به ویژه آنچنان که کوباسا گفته است، به صورت عملی، تعهد، مهارگری و مبارزه جویی را بر محیط متخاصم تحمیل می‌کند.
  ۳. حمایتها و تسهیل اجتماعی که در حقیقت بستر اجتماعی لازم را برای بروز و تقویت یک رفتار خاص فراهم می‌سازد. از طریق حمایتها و نیز تسهیل اجتماعی فرد در بهره‌گیری از مکانیزمهای مقابله‌ای توانمندتر شده، کمتر در دامن واپس‌رویهای روانی - اجتماعی در می‌غلطد.
- از براینده این سه عامل اساسی، دو پیامد ضروری برای سازش یافتگی تحقق می‌یابد که به ترتیب عبارتند از:

الف) معنا بخشی و سازماندهی محیط که در برگیرنده دستیابی به الگوی شناختی معنا دار از حوادث گذشته، حال و آینده است و فرد را از بی‌ریشگی و فقدان انسجام شناختی رهایی می‌بخشد.

ب) تنظیم جهت‌گیریهای آتی که بر اساس آن، اسیر فقط بر بستر الزامها و بایدها نمی‌غلطد و برای حال و آینده خود طرحی مناسب در نظر می‌گیرد.

این دو محصول در تعامل با یکدیگر و نیز با بهره‌گیری از پشتیبانی عاملهای اصلی، به اسیر امکان می‌دهند که محیط به شدت متخاصم را مهار کند و از تابعیت محض خارج شود. بدین ترتیب، اسیر فقط در محدودیتهای مکانی زندانبانهای خود گرفتار است و در درون این حصار، به زندگی فعالانه خود ادامه می‌دهد و علی‌رغم همه محدودیتهای اعمال شده، طرحهای خود را پیگیری می‌کند. این محصول نهایی، سطح سازش یافتگی را تعیین کرده، محصول خود را پس از آزادی، با دستیابی مجدد به سازش پس از آزادی به نمایش می‌گذارد.

بدین ترتیب اکنون فراتر از طرح یک مفهوم پردازی نظری، باید به اثبات تجربی مواردی پرداخت که پیش از این توصیف شد. از این دیدگاه، این پرسش اساسی مطرح است که با نگاهی تجربی، به درستی مؤلفه‌های بنیادی که تبیین‌کننده سازش یافتگی آزادگان ایرانی است، چیست؟ و پس از آن هر یک از این مؤلفه‌های بنیادین چه سهمی در سازش یافتگی کنونی آزادگان به خود اختصاص داده است، موضوعی که پاسخ مستدل علمی به آن قادر است تا هم دورنمای روشنتری از فرایند سازش یافتگی آزادگان ایرانی را پیش روی ما قرار دهد و هم در گام نهایی برای کاربردهای عملی - به عنوان ابزارهای توانمند - ما در حل مشکلات احتمالی برخی از ایشان یاری خواهد داد.

از آنجا که طرح مباحث تجربی و یافته‌هایی که در تحقیق سال ۱۳۷۸ به دست آمده در این مقاله امکان‌پذیر نیست، ادامه بحث و گزارش یافته‌های پژوهش در شماره‌های بعدی درج خواهد شد.



## ۵. منابع

- [۱] اثرات روانی خدمت نظام در ویتنام، مطالعه ماوراء تحلیلی، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۰.
- [۲] بهرامی احسان، هادی، مقایسه میزان سازگاری آزادگان با رزمندگان و افراد غیر رزمنده، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- [۳] نشاط دوست، حمید، بررسی شیوع اختلال استرس پس از ضربه در آزادگان شهر اصفهان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰.
- [۴] یاریاری، فریدون، بررسی تظاهرات عصبی روانی آزادگان شهر تهران یک سال پس از بازگشت، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- [5] Endler, N.S. and D. Magnusson, "Toward an Interactional Psychology of Personality", *Psychological Bulletin*, No. 83, PP. 956 - 974.
- [6] Gaber, J. and M.E.P Seligman, *Human Helplessness, Theory and Application*, Academic Press, 1980.
- [7] Hall, R. C. W, "Psychiatric Effect of Prolonged Asian Captivity; A Two - Years Follow - Up Study", *American Journal of Psychiatry*; No .133,P .7.
- [8] Kean, T. *et al*, "Social Support in Vietnam Veterans with Posttraumatic Stress disorder: A Aomparative Analysis", *Journal of Consulting Clinical Psychology*, No. 53, PP. 95 - 102.
- [9] Kentsmith, D. K, "Hostages and Other Prisoners of War", *Military Medicine*, No. 147, PP. 969 - 972.
- [10] Kobasa, S.C. and M. C. Puccetti, "Personality and Social Resources in Stress Resistance", *Journal of Personality and Social Psychology*, No. 45, PP.4, 839 - 850.
- [11] Lazarus, R.S, *Pattern of Adjustment*, 3 rd ed, New York, Macgraw - Hill, 1976.
- [12] Lazarus, R. S. and S. Folkman, *Stress, Appraisal, and Coping*, New York, Springer, 1984.
- [13] Lindzey, G. *et al*, *Psychology*, Worth Publishers, 1988.
- [14] Shalit, B, *The Psychology of Conflict and Combat*, New York, 1988.
- [15] Sutker, P. B, "Adjective Self Description of World War II and Korean Prisoner of War and Combat Veterans", *Journal of Psychopathology and Behavior Assessment*, Vol. 11, No. 2.
- [16] Tennant, C. *et al* "The Psychological Effect of Being a Prisoner of War:



- Forty Years After Release", *American Journal of Psychiatry*, Vol. 143, No. 5. PP. 618 - 621.
- [17] Ursano, R.J, "The Vietnam Era Prisoner of War; Precaptivity Personality and the Development of Psychiatric Illness", *American Journal of Psychiatry*, Vol. 138, PP. 15 - 318.
- [18] Ursano, R.J. and J.R. Rundell, "The Prisoner of War", *Military Medicine*, Vol. 155, PP. 176 - 180.
- [19] Walker, J. I. and J. L. Nash, "Group Therapy in the Treatment of Vietnam Combat Veterans", *International Journal of Group Psychotherapy*, Vol. 31, PP. 379 - 389.

